



مای و مرغ، میدان جنگ میان خاقان چین و هیتالیان

فریاد و داد

چکیده

یکی از زمین‌های پژوهشی در شاهنامه فردوسی، بررسی جای شهرها و سرزمین‌هایی که از آنها نام برده شده است، می‌باشد. در این جستار کوشش شده تا با روشی نوآیین به بررسی جای «مای و مرغ» که معمولاً به نام دو شهر در هندوستان شناسایی می‌گردد و در واقع نام روستایی در نزدیکی سمرقند است، پرداخته شود. در راستای این پژوهش به بررسی جای رود «برک» که در تصحیح‌های گوناگون به ریخت‌های «برک» یا «ترک» نگاشته شده، خواهیم پرداخت.

کلید واژه: مای، مرغ، مای و مرغ، مایمرغ، رود برک (پرک)

مای و مرغ میدان جنگ میان خاقان چین و هیتالیان

بررسی جای شهرها و سرزمین‌هایی که در شاهنامه فردوسی از آنها نام برده شده و همچنین تلاش برای یافتن جای درست آنها این امکان را به ما می‌دهد تا به ریشه‌های تاریخی داستانهای این اثر بزرگ دست بیابیم. گروهی از این جای‌ها همچون شهرهای «مای»، «مرغ»، «مای و مرغ» و نیز رود «برک» یا «ترک» به گونه‌ای در میان چندین داستان شناسایی گردیده‌اند که می‌توان همگی آنها را در یک جستار و هم‌پیوند با یکدیگر بررسی کرد.

برای بررسی جای این شهرها و همچنین جای رود برک، نخست گفتار «داستان رزم خاقان چین با هیتالیان» از داستان «پادشاهی کسری نوشین روان» و سپس گفتار «تاختن بهرام گور بر خاقان چین» از داستان «پادشاهی بهرام گور» را از رونوشت ژول مل می‌خوانیم. در داستان یکم آمده است:

چو خاقان چین کس نبود از مهان
گذشته ز کسری بگرد جهان
سپهدار با لشکر و گنج و تاج
بگلزریون بود از آن سوی چاج
(ص ۱۸۵۹، ب ۱۷۹۳، ۱۷۹۵)

ز سغد اندرون تا بجیحون سپاه
کشیده رده پیش هیتال شاه

پژ



●● با بررسی این

لشکر کشی‌ها بر روی یک نقشه جغرافیایی به سادگی می‌توان دریافت که سوی لشکر کشی‌ها تنها می‌تواند در جایی میان شهرها و سرزمین‌های نامبرده شده همگرا گردد. از این رو در این داستان «مای و مرغ» نمی‌تواند نام دو شهر در هندوستان باشد و آن را باید در میان پربندی از همه این شهرها و سرزمین‌ها در آسیای میانه جستجو کرد ●●●

چو آگاهی آمد بخاقان چین دلش گشت پردرد و سر پرز کین (ص ۱۸۶۰، ب ۱۸۱۰، ۱۸۲۱)

سپه را بقجفار باشی براند بچین و ختن نامداری نماند برفتند یکسر ز گلزریون همه دل پر از خشم و سر پرز خون ز جوش سواران بچاچ اندرون چو گل شد برنگ آب گلزریون چو آگاه شد غاتفر زان سخن که خاقان چینی چه افگندین سپاهی ز هیتالیان برگزید که گشت آفتاب از جهان ناپدید ز بلخ و ز شکنان و آموی و زم سلیح و سپه خواست و گنج و درم ز ختلان و از ترمذ و ویسه گرد ز هر سو سپاه اندر آورد کرد ز کوه و بیابان و از ریک و شیخ بجوشید لشکر چومور و ملخ چو بگذشت خاقان ز رود ترک تو گفتمی همه تیغ بارد فلک سپاه انجمن کرد بر مای و مرغ سیه گشت خورشید چون پر چرخ بخارا پر از گرز و گویال بود که لشکر گه شاه هیتال بود بشد غاتفر با سپاهی چو کوه ز هیتال گرد آوریده گروه بجنگ اندر آمد ز هر سو سپاه ز تنگی بیستند بر باد راه کشانی و سفدی شدند انجمن پراز آب رخ کودک و مرد و زن بهر جای بر توده کشته بود ز خون خاک و سنگ ارغوان گشته بود (ص ۱۸۶۱، ب ۱۸۲۲، ۱۸۲۴، ۱۸۳۳- ۱۸۲۶، ۱۸۳۷، ۱۸۳۵، ۱۸۴۱، ۱۸۴۴) شکست اندر آمد بهیتالیان شکستی که بستنش تاسالیان (ص ۱۸۶۲، ب ۱۸۴۸)

سپس فردوسی در گفتار «بازگشتن خاقان و لشکر کشیدن نوشین روان سوی طیسفون» از همین داستان می‌افزاید:

ز چاچ و ترک تا سمرقند و سفد بسی بود ویران و آرام جغد (ص ۱۸۸۲، ب ۲۳۳۲)

در اینجا نیاز می‌بینم تا پیش از پرداختن به جای «مای و مرغ» به بررسی جای رود پرک که در رونوشت‌های

گونگون شاهنامه به ریخته‌های برک و ترک نگاشته شده، پرداخته شود.

در باورقی برهان قاطع و در زیر واژه «برک» آمده است: «پاول هرن آلمانی در روزنامه انجمن آسیای آلمان ج ۵۷ ص ۱۷۶ کلمه را به "ترک" تصحیح کرده که گویا نظر وی "اترک" بوده.» (فرهنگ شاهنامه ص ۵۱)

رود اترک از نزدیکی روستای کچلانلو در خاور شهرستان قوچان سرچشمه می‌گیرد و به دریای مازندران می‌ریزد و کمترین فاصله این رود تا نزدیکترین جای‌هایی که در داستان بالا نامبرده شده‌اند، به چند صد کیلومتر می‌رسد، و به سادگی می‌توان پی برد که هیچ خویشاوندی میان رود اترک در شمال ایران امروزی و رود ترک یا برک در ترکستان دیده نمی‌شود. شاید پاول هرن بر پایه مسالک و ممالک نوشته ابن خردادبه نام این رود را به «ترک» تصحیح کرده باشد.

ابن خردادبه در المسالک و الممالک می‌نویسد:

«از سمرقند به سوی بارکت چهار فرسنگ سپس بسوی خسوفغن چهار فرسنگ و پس از آن به سوی بونمذ پنج فرسنگ و از آنجا تا زامین چهار فرسنگ است و از زامین یک راه به چاچ و ترکستان و راه دیگر بسوی فرغانه می‌رود. در راهی که بسوی چاچ می‌رود، از زامین تا خاوص هفت فرسنگ سپس بسوی پل رود چاچ نه فرسنگ و از روی پل گذشته بسوی بناکت و تا رود ترک چهار فرسنگ و از روی آن گذشته بسوی شطورکت تا بنونکت سه فرسنگ و از آنجا تا چاچ دو فرسنگ است، پس از سمرقند تا چاچ چهل و دو فرسنگ است.» (ص ۲۶ و ۲۷)

سپس در «باب الحادی عشر فی دیوان البرید» از همین کتاب می‌خوانیم:

«سپس از زامین بسوی خاوص شش فرسنگ (در بالا آمده بود هفت فرسنگ) و از خاوص بسوی رود چاچ پنج فرسنگ و پس از گذشتن از این رود تا بناکت چهار فرسنگ و از بناکت بسوی جینانجکت بر رود ترک چهار فرسنگ و پس از گذشتن از رود ترک، ستورکت در دست چپ است و از ستورکت تا بنونکت سه فرسنگ و از بنونکت تا شهر چاچ دو فرسنگ است.» (ص ۲۰۴) ابی القاسم ابن حوقل النصیبی در کتاب صورة الارض از این رود با نام «برک» یاد کرده است. از این رو می‌توان دریافت که «ترک» یا «برک» نام رودی است که از جنوب بنوکت گذشته و به سیر دریا می‌پیوندد. گفتنی است که این رود در «اطلس تاریخی آسیای میانه»^۲ با نام «برک» شناسایی شده است.

اینک با رویکرد به جای رود پرک و لشکر کشی خاقان چین از این رود بسوی جایی که سپاه هیتالیان^۳ در آنجا گرد آمده بودند، پژوهش خود را برای یافتن جای «مای و مرغ» آغاز می‌کنیم.

در این داستان، خاقان چین از ختن، چاچ، قجفار باشی





و گلزریون سپاهی بزرگ فراهم می‌آورد و با گذشتن از رود پرک، روانه «مای و مرغ» می‌گردد. از دستی دیگر سپاه هیتالیان و هم‌پیمان‌هایشان نیز از شهرها و سرزمین‌های سغد، بلخ، شکنان، آموی، زم، ختلان، ترمذ، ویسه گرد، بخارا و کشانیه بسوی «مای و مرغ» می‌روند.

با بررسی این لشکرکشی‌ها بر روی یک نقشه جغرافیایی به‌سادگی می‌توان دریافت که سوی لشکرکشی‌ها تنها می‌تواند در جایی میان شهرها و سرزمین‌های نامبرده شده همگرا گردد. از این‌رو در این داستان «مای و مرغ» نمی‌تواند نام دو شهر در هندوستان باشد و آن را باید در میان پربندی از همه این شهرها و سرزمین‌ها در آسیای میانه جستجو کرد.

از گزارش‌های یاقوت بن عبدالله الحموی چنین برداشت می‌شود که مای‌مرغ دست‌کم نام سه روستا یا شهرک در آسیای میانه بوده است. او در کتاب المشترك وضعاً و المقترق صقعا می‌نویسد: مای‌مرغ سه جاست. مای‌مرغ روستایی از بخارا و در راه نخشب است، و مای‌مرغ روستایی از روستاهای سمرقند است. و مای‌مرغ شهرکیست نزدیک جیحون.

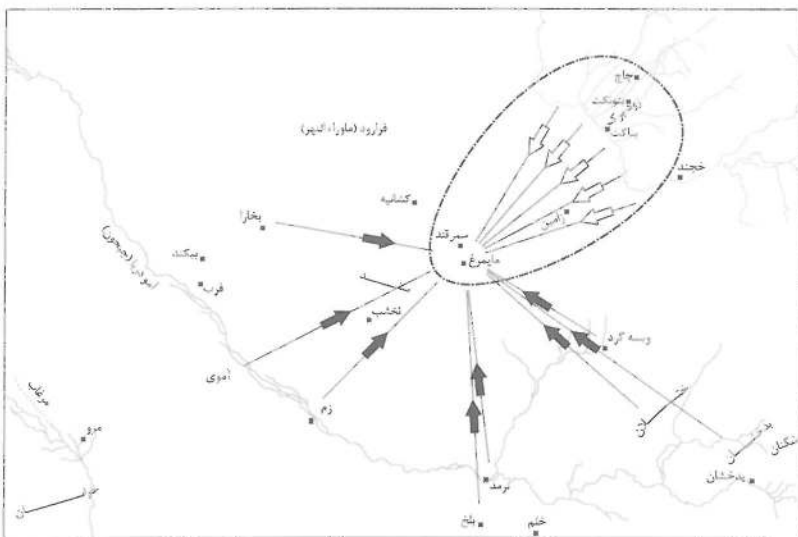
با این‌همه جای مای‌مرغ را چنان باید گزینش کرد که بندهای زیر را همه رس باشد.

سپاه هیتالیان از سغد تا آمودریا (جیحون) جایگزیده بودند. از این رو سپاه چینی‌ها پیش از ورود به این محدوده پهن‌آور در جایی نزدیک به سغد موضع گرفته باشند.

در لغت نامه دهخدا آمده است که: «سغد شهری آباد و بزرگ بوده و شمر نامی از سرداران عرب آن را بقهر مسخر کرده و خراب نموده و سمرقند را ساخته و آباد مانده و اصل در آن شمرکند بود و اکنون سمرقند مشهور است و سغد را بجهت قرب جوار بسمرقند نسبت کنند.» بر این پایه، با رویکرد به نزدیکی میدان با شهرهای سمرقند و سغد، می‌توان مطمئن شد که «مای‌مرغ»ی که ما در جستجوی آن هستیم، همانی است که در جنوب سمرقند بوده است.

همان‌گونه که در نقشه ۱ دیده می‌شود، روستای مای‌مرغ در جنوب سمرقند، شرط همگرایی لشکرکشی‌های هیتالیان و چینی‌ها را به‌خوبی هم‌رس است. روی این نقشه سوی لشکرکشی سپاه چین از چاچ به «مای‌مرغ» با فلش‌های سفید و سوی لشکرکشی سپاه هیتالیان با فلش‌های سیاه رنگ نشان داده شده است. ناگفته پیداست که بر روی این نقشه، جای رود پرک با شناسه لشکرکشی چینی‌ها همخوانی دارد.

در دومین داستانی که در آن از «مای و مرغ» نام برده می‌شود، فردوسی به گزارش جنگی میان خاقان چین و



نقشه ۱: نبرد چینی‌ها و هیتالیان در مایمرغ

چین

بهرام گور پرداخته است. او در گفتار «تاختن بهرام گور بر خاقان چین» از داستان «پادشاهی بهرام گور» چنین می‌سراید:

چو آگاهی آمد بهرام شاه
 که خاقان بمروست و چندان سپاه
 بیاورد لشکر با آذر گشسپ
 همان بی بنه هر یکی با دواسپ
 ابا جوشن و ترک و رومی کلاه
 شب و روز چون باد تازان براه
 همی تاخت تازان چو از کوه سیل
 بآمل گذشت از در اردبیل
 ز آمل بیامد بگرگان کشید
 همی رنج و درد بزرگان کشید
 ز گرگان بیامد بشهر نسا
 یکی رهبری پیش او پارسا
 بکوه و بیابان و بی راه رفت
 شب تیره تا روز بیگاه رفت
 برین سان بیامد بنزدیک مرو
 نپژد بدانگونه پران تذر و
 بکشمیهن آمد بهنگام روز
 چو برزد سر از کوه گیتی فروز
 چو خاقان ز نخچیر بیدار شد
 بدست خزر و ان گرفتار شد
 سپهبد ز کشمیهن آمد بمر و
 شد از تاختن باد پایان چو غرو
 (ص ۱۶۹۶، ب ۱۵۳۳ - ۱۵۲۷،
 ۱۵۳۵، ۱۵۴۰، ۱۵۴۵، ۱۵۴۷)

بمرو اندر از چینیان بس نماند
 بکشتند و از جنگیان کس نماند
 برینسان همی رفت فرسنگ سی
 پس پشت او قارن پارسای
 روانش ستیز از مدارا گزید
 دلش رای رزم بخارا گزید
 بیکروز و یک شب باموی شد
 ز نخچیر و بازی جهانجوی شد
 بیامد ز آموی یکپاس شب
 گذر کرد بر آب و ریگ فرب
 زمانه شد از گرد چون پر چرغ
 جهانجوی بگذشت بر مای و مرغ
 (ص ۱۶۹۷، ب ۱۵۴۸، ۱۵۵۰،
 ۱۵۵۷ - ۱۵۵۵، ۱۵۵۹)

چنان که از این داستان پیداست، بهرام گور که در استخر جای گزیده بوده، برای جنگ با چینی‌ها به سوی آذر گشسپ و سپس از راه اردبیل، آمل و گرگان خود را به نسا می‌رساند. آن‌گاه او از بی‌راهه به سوی کشمیهن لشکر می‌کشد. کشمیهن نام روستا یا شهرکی در نزدیکی مرو بوده است. ابن خردادبه در «باب الحادی عشر فی دیوان البرید» از



دیپ

المسالک و الممالک می‌نویسد:

«از شهر مرو دو راه بسوی چاچ و ترکستان و بسوی طخارستان است، پس از شهر مرو بسوی کشمیهن، روستای بزرگی که در راه آن بیابانی است به غز پیوسته، پنج فرسنگ و از کشمیهن تا دیوان شش فرسنگ و از دیوان تا طهملج دو فرسنگ و از طهملج تا منصف چهار فرسنگ و از منصف تا احساء هشت فرسنگ و از احساء تا نهر عثمان سه فرسنگ و از نهر عثمان تا عقیر سه فرسنگ و از عقیر تا شهر آمل پنج فرسنگ است و بر این پایه از مرو تا آمل سی و شش فرسنگ می‌باشد.»

بهرام در سپیده‌دمان به لشکر خاقان حمله می‌کند و پس از دستگیری او، بسوی فرب در کناره آمودریا و بخارا لشکر می‌کشد و به جهانگشایی رومی‌آورد و حتی از مای و مرغ نیز می‌گذرد. او سرانجام با در هم شکستن سپاه چینی‌ها و ترک‌های آسیای میانه، باری دیگر به فرب (فربر) باز می‌گردد. در این داستان به درستی نمی‌توان گفت که آیا «مای و مرغ» همان روستای جنوبی سمرقند است یا روستایی در نزدیکی بخارا، اما با این همه گویای یک شهرک یا روستا در فرارود (ماوراءالنهر) است نه دو شهر در هندوستان.

نقشه شماره ۲ سوی لشکرکشی بهرام گور از استخر به آذرگشسپ، کشمیهن، مرو و سپس از راه فرب به مایمرغ در جنوب سمرقند را نشان می‌دهد.

در پایان، گفتنی است که هرگاه فردوسی به گزارش روستای مایمرغ پرداخته از ریخت «مای و مرغ» بهره جسته و هرگاه روی سخن وی به دو شهر «مای» و «مرغ» در هندوستان بوده، ریخت «مرغ و مای» را به کار گرفته است. بیت‌های زیر رویکردهایی به این دو شهر در هندوستان می‌باشند.

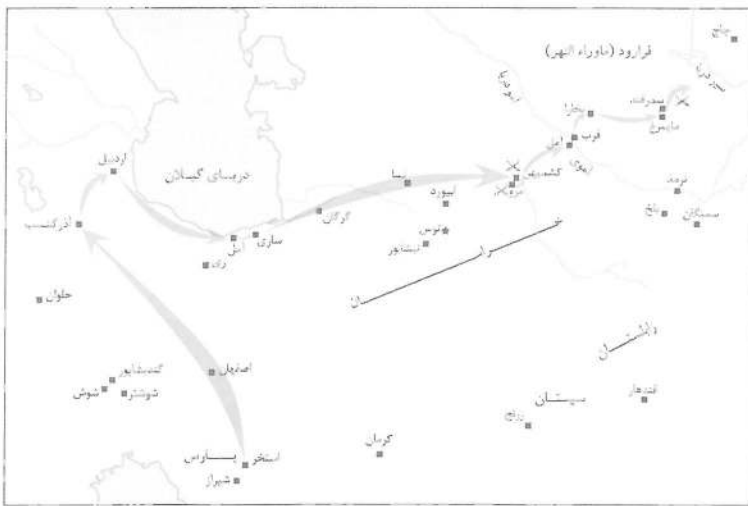
سوی کشور هندوان کُرد رای
سوی کابل و دنبر و مرغ و مای
(ص ۱۵۸، ب ۳۵۹)

یکی چتر هندی بسر بر بیای
بسی مردم از دنبر و مرغ و مای
(ص ۷۶۴، ب ۴۷۴)

کنون هر کراهست پاکیزه رای
ز قنوج و دنبر و از مرغ و مای
(ص ۱۱۰۲، ب ۲۵۸۳)

ز قنوج وز دنبر و مرغ و مای
برفتند با زیج هندی ز جای
(ص ۱۱۰۷، ب ۲۶۸۶)

ز کشمیر و از دنبر و مرغ و مای
از آن تیزویران جوینده رای
(ص ۱۹۲۵، ب ۳۳۸۸)



نقشه ۲: مسیر لشکرکشی بهرام گور از استخر به مایمرغ

پی نوشت

۱. در رونوشت مسکو به جای «ترک» کلمه «ترک» نوشته شده است.
 ۲. An Historical Atlas Of Central Asia, Yuri Bregel
 ۳. «هفتال، غبیل، هیتالی، هیتالیان، هفتالیان، هپتاله، قومی که در زمان بیروز پادشاه ساسانی از چین به نواحی طخارستان، که کینداریان از آنجا رفته بودند، هجوم آوردند، و بیروز را مغلوب و اسیر ساختند.» (فرهنگ جامع شاهنامه، محمود زنجانی)
«ماوراءالنهر بماوراء رود جیحون در خراسان گویند و آن قسمتی است که در شرق رود بوده و بلاد هپتاله نام داشته و در اسلام ماوراءالنهر نامیده شد.» (الفهرست، زینبوس ص ۲۹)
 ۴. نام این روستا در اطلس تاریخی اسلام (An Historical Atlas Of Islam) به ریخت Māymurgh نشان داده شده است، اما آوای (ا) برای مرغ با واژه جرج (Chargh) هم قافیه نیست. نام روستاهای دیگری هم که با نامی کمابیش همگون در ایران و آسیای میانه مانند سرعینه و مرغی یافت می‌گردند، همگی آوای (ا) دارند. از این رو با دکتر نور محمد ستندزاده از کشور تاجیکستان به گفتگو پرداختم و ایشان با پرس و جو پاسخ دادند که این روستا در گذشته به ریخت Maymargh خوانده می‌شده و پیرامون آن مرغزار است.
 ۵. شهر آمل (جارجو) در کنار رود جیحون و در جنوب باختری شهر قرب جای دارد.
 ۶. Māy
 ۷. (Margh) حیوانچی جمشدرجی مدی در صفحه‌های ۸۸ و ۸۹ از کتاب «بزه‌نامه آسیای» (کتاب‌نما - شماره ی ۱۰) این شهر را با نام «Marg» شناسایی کرده است.
- همچنین مرغ (Murgh, moorgh) نام گذرگاهی یا بلندی ۲۲۸۰ متر در شمال کابل در میان کوه‌های هندوکش است. (بر گرفته از Webster's Geographical Dictionary, P ۷۴۳)

کتابنامه

- محمد حسین بن خلف تبریزی. برهان قاطع، متخلص به برهان ۱۰۶۲ هجری قمری. به‌انضمام دکتر محمد معین. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم ۱۳۶۱
- محمد بن اسحاق بن ندیم. الفهرست. ترجمه محمدرضا تجدد. تهران: انتشارات اساطیر ۱۳۸۱
- زنجانی، محمود. فرهنگ جامع شاهنامه. تهران: انتشارات عطایی، چاپ دوم ۱۳۸۰
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه، به تصحیح زول مل با مقدمه دکتر محمد امین ریاحی. تهران: انتشارات سخن، چاپ پنجم ۱۳۷۴
- اطلس راههای ایران. زیر نظر سعید بختیاری. مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، تهران: چاپ امیر ۱۳۸۰
- ابن خردادبه. المسالك الممالک. طبع فی مدینه لیدن. بمطبعه بریل سنه ۱۳۰۶ ق.
- ابی القاسم ابن حوقل النصیبی. صورة الارض الطبعه الثانیه، طبع فی مدینه لیدن. بمطبعه بریل سنه ۱۹۳۹ م.
- الحموی، یاقوت. المشترك وضعاً و المختلف صقلاً. چاپ گوئینگن، ۱۸۴۶

Bregel, Yuri, An Historical Atlas Of Central Asia, Leiden, Boston: Brill, 2003

Kennedy, Hugh. An Historical Atlas Of Islam, 2nd Revised Edition, Leiden. Boston. Köln: Brill, 2002

Merriam. Webster's Geographical Dictionary: A Dictionary of Names of Places with Geographical and Historical Information and Pronunciations. Revised Edition. U.S.A., G. & C. Merriam CO., Publishers Springfield, Mass., 1963

Modi, Jivanji Jamshedji. Asiatic papers: Papers read before the Bombay Branch of the Royal Asiatic Society, Byculla: Bombay education society's press, 1905.



«اگوست امپراتور روم گفته است که وقتی رم را دریافت همه جا آجر بود و چون آن را باز گذاشت همه جا مرمر. فردوسی نیز کشور خود را تقریباً بدون ادبیات یافت و شاهنامه ای بدان باز گذاشت که نویسندگان بعدی تنها توانستند از آن تقلید کنند، بی آنکه از آن برتر روند. حماسه ای که به راستی می تواند با همه رقابت کند و در تمام آسیا منحصر به فرد به نظر می رسد همانطوری که حماسه هم در اروپا چنین است.»

(کول Cowell خاورشناس انگلیسی - فردوسی و حماسه ملی - تألیف هانری ماسه - ترجمه روشن ضمیر)

